

صنعت، مولد اشتغال و ارزش آفرینی

حبیبه فتحی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

اقتصاد هم شهری

در بیشتر کشورهای پیشرفته سیاستمداران، اقتصاددانان و رای دهندگان نگران از دست دادن مشاغل صنعتی در کشورهای خود هستند. برخی با اشاره به تغییر در مرکز ثقل اقتصادی به سوی بازارهای نوظهور و نیاز برای استقرار شرکتها در مناطقی که در آنها تقاضا موجد اشتغال صنعتی است، از برون سپاری و تغییر مکان شرکت ها از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه برای کاهش هزینه های نیروی کار و افزایش حاشیه سود دفاع می کنند. در اقتصادهای نوظهور جایگزینی نیروی کار با فناوری مشکل بیکاری را کم کرده است.

در حقیقت، تولید صنعتی هنوز هم یک پیش برنده بسیار مهم در اقتصادهای پیشرفته است، در سال ۲۰۱۰ این منطقه حدود ۶۰٪ از ارزش افزوده تولید صنعتی جهان را در اختیار داشتند. با این حال کاملاً مشخص است که مشاغل صنعتی در اکثر این کشورها و نه همه آنها روند کاهشی داشته است. حتی در آلمان در خلال سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ کاهشی حدود ۵٪ در اشتغال بخش صنعتی رخ داده، هرچند این میزان برای انگلستان ۲۵ درصد و ایالات متحده آمریکا ۲۰ درصد بوده است. بخشی از این کاهش استخدام به واسطه از بین رفتن مشاغل و تعطیلی بنگاه ها، و بخشی دیگر منعکس کننده جابجایی به منظور کاهش هزینه ها، و البته ایجاد فرصت های شغلی در کشورهای دیگر بوده است. از جمله لهستان و استونی، نیوزیلند و (به میزان کمتر) اتریش و ایتالیا شاهد افزایش در تولید شغل بودند. اما بیشتر تغییر در مشاغل صنعتی ناشی از پاسخگویی به تغییرات در تقاضا، به خصوص در چین رخ داده، کشوری که در همین سالها افزایش بیش از ۳۰ میلیون فرصت شغلی را شاهد بود.

چه عاملی موجب توجه سیاستگذاران به این جابجایی مشاغل شده است؟ یکی از دلایل واضح، افزایش شدید بیکاری در کشورهای مختلف از زمان آغاز بحران اقتصادی است. حتی در کشوری مانند آلمان، که در آن بواسطه قدرت بخش تولید صنعتی صادرات محور بیکاری به طور کلی پایین بود، واکنشها آغاز شده است. سیاستگذاران در تلاش برای بازگرداندن صنعت به جایگاه پیشین آن به چند دلیل تمسک می کنند. تولید صنعتی دارای رشد بهره وری سریع تری نسبت به بخش خدمات است. در واقع،

بسیاری از شرکت های تولیدی بزرگ شرکتهای خدماتی نیز هستند و به پشتوانه تولید واحدهای فروش، طراحی و تبلیغات و کسب و کارهای محلی خرد به تکاپو می افتد و در واقع تولید محرک بخش خدمات خواهد بود. مهمتر از آن در هر اقتصاد پیشرو، تولید همواره محرک تغییرات فناورانه است. مضافاً تجارت اقلام کالایی آسان تر از بسیاری از بخشهای خدماتی است، لذا درآمد صادراتی سریع تر محقق خواهد شد.

تغییر بافت صنعتی در کشورهای پیشرفته مرهون فناوری بهتر، برون سپاری مشاغل کاربر و فرآیندهای پر زحمت تر با مهارتهای پایین به همراه کارآیی زنجیره ارزش بوده است. فضای کارخانهها تغییرات اساسی پیدا کرده است. امروزه بخش عمدهای از فعالیت خودروسازان معطوف توسعه نرم افزارها، رباتها و طراحی اجزاء می شود و این خود نیازمند جذب مهارتهای خاص مهندسی و برنامه ریزی شده است. در زنجیره ارزش فعالیتهای تحقیق و توسعه (R&D) به داخل این کشورها منتقل شده و بخشهای مونتاژ بیشتر به دور دستها فرستاده شده است. کارخانهها به مکانهای راحت تر و جذاب تری برای کار تبدیل شده اند. خطوط خودکار تولید، تهویه مطبوع، پله برقی، آموزش و طیف وسیعی از ارتقاء سلامت و ایمنی جزء لاینفک تولید صنعتی شده است.

همزمانی افت هزینه های تولید در کشورهای پیشرفته در پی تعمیق بحران اقتصادی و افزایش هزینه های انجام کسب و کار در اقتصادهای نوظهور موجب کاهش شکاف هزینه ای میان دو گروه کشورها شده است. زمانی برون سپاری صرفه جویی ۳۰ تا ۵۰ درصد هزینه را در ساخت محصولات صنعتی به ارمغان می آورد، اما با توجه به چالشهای برون سپاری نظیر زنجیره تامین پیچیده، کیفیت، مسائل مربوط به مالکیت معنوی، هزینه های بالاتر مربوط به حمل و نقل و موجودی انبار از یک سو و افزایش دستمزد نیروی کار در کشورهای میزبان استقرار صنایع از سوی دیگر، مزیت این کشورها فروکش کرده است. این امر به طور طبیعی برای سیاست گذاران در منطقه OECD فرصتی را برای تقویت پایگاههای صنعتی خود و تولید رقابتی تر فراهم کرده و آنان را به بازگرداندن فرصتهای شغلی به داخل و مصونیت از عواقب سیاسی و اجتماعی گسترش بیکاری ترغیب نموده است.

دلایل ماندن بنگاهها در داخل و یا برگزیدن مکان دیگری برای استقرار از گزینه های صرفه جویی در هزینه، نزدیکی به بازارهای در حال رشد، دسترسی به مواد ارزانتر یا نیروی کار ارزانتر خارج نیست. با توجه به اشباع بازارهای کالایی و خدمات در کشورهای پیشرفته آنها دریافته اند که در مورد مشاغل

مرتبط با تولید انبوه نمی‌توانند با کشورهای با هزینه پایین رقابت کنند و برون‌سپاری امری اجتناب‌ناپذیر است. از دیگر سو با رشد فناوری، سرمایه‌گذاری جدید در صنایع تولیدی لزوماً به اشتغال بیشتر منتهی نخواهد شد. امروزه یک کارخانه جدید الاتاسیس فولاد نهایتاً ۵۰ نفر را بکار می‌گمارد نه ۵۰۰ نفر را. لذا سرمایه‌گذاری موفق در صنایع سرمایه‌بر مبتنی بر دانش و مهارت و ایجاد چارچوبهای خوب در کسب‌وکارهای مبتنی بر دانش همانند طراحی، تحقیق و توسعه و بازاریابی عامل تعیین‌کننده بقای کشورها از طریق ارزش‌افزوده است. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۶ تولید آی‌پاد (iPod) موجب ۴۱ هزار فرصت شغلی شد که از این میزان ۳۴ درصد در داخل ایالات متحده و ۶۶ درصد در خارج بکار گمارده شدند. در عین حال دریافتی کارکنان داخلی که در بخشهای طراحی، تحقیق و توسعه، نرم‌افزار بازاریابی فعالیت داشتند، ۲/۴ برابر شاغلان خارجی که در بخشهای ساخت و مونتاژ اشتغال داشتند، بود.